

زوم

تک‌نگاری تحلیلی «ایران جمعه»
از هنری کسینجر، از معماران سیاست خارجی امریکا
که در ۱۰۰ سالگی درگذشت

فرشته یا شیطان؟!

حسین مهدی تبار
پژوهشگر

برنده جایزه صلح نوبل هم شده است. کسینجر در حالی این جایزه را برد که به عقیده بسیاری عامل اصلی تداوم جنگ در ویتنام و کشتار مردم بود. با وجود این اختلاف نظرات برای هیچ کس جای تردید نیست که در جهان امروز، ساختارها، قواعد و هنجارهایی حکم فرماست که کسینجر در شکل دهی به آنها نقش بسیاری ایفا کرد. او دست کم دوازده رئیس جمهور امریکا را مورد مشاوره قرار داد. بنابراین بیراه نیست اگر کسینجر را یکی از مؤثرترین افراد در تاریخ سیاست بین‌الملل یک صدسال اخیر بدانیم. دست کم در مهمترین رویدادهای قرن اخیر، یعنی فروپاشی شوروی و ظهور چین، نقش او مشهود است. اما به واقع، کدام یک از قضاوت‌ها در مورد کسینجر صحیح‌اند؟

هنری آلفرد کسینجر، نظریه پرداز، استاد دانشگاه و البته سیاست‌مدار آمریکایی، آخرین بازمانده دولت نیکسون بود که در روزهای اخیر درگذشت. او را قدرتمندترین وزیر خارجه ایالات متحده امریکا پس از جنگ جهانی دوم نامیده‌اند. در تحلیل شخصیت کسینجر نمی‌توان و نباید زوایای متناقض شخصیت او را نادیده گرفت. صرف‌نظر از اثرات مهم او در دانش روابط بین‌الملل که با نگارش کتاب‌ها و مقالات فراوانی صورت پذیرفته بود، قضاوت‌های متناقضی پیرامون او وجود دارد. گروهی او را شریک جرم‌های دولت‌های امریکا می‌دانند و گروهی دیگر او را دیپلماتی می‌شناسند که به صلح در جهان کمک کرد. کسینجر، به عنوان مخاطب منفور کتاب مشهور «جنایات آقای کسینجر» همان کسی است که

بعد کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در هلسینکی تشکیل شد که نقش مهمی در کاهش تنش‌های دوران جنگ سرد ایفا کرده بود. انعقاد قرارداد کمپ دیوید هم که از نظر امریکایی‌ها جایگاه ویژه‌ای در کنترل بحران خاورمیانه - البته به نفع اسرائیل - داشته میراث کسینجر محسوب می‌شود. او با این اقدامات عملاً شوروی را از جایگاه یک قدرت تأثیرگذار در خاورمیانه خارج کرد. قرارداد

ابتدا مشاور امنیت ملی و سپس در مقام وزیر خارجه در سیاست امریکا حضور داشت. شاید اغراق نباشد اگر او را از مهمترین شخصیت‌های دوران جنگ سرد و در ریف استالین تلقی کنیم. در دولت نیکسون نقش اساسی در پیشبرد مذاکرات «سالت» ایفا کرد. این مذاکرات که منجر به اولین توافق مهم تسلیحاتی میان دو ابرقدرت شده بود، به دوره‌ای کوتاه در جنگ سرد مربوط می‌شود که با تعیین سقف کمیت و کیفیت تسلیحات اتمی ایالات متحده و جماهیر شوروی به کاهش تنش‌ها میان این دو ابرقدرت کمک کرد. بر مبنای مناسباتی که کسینجر ایجاد کرد، سال‌ها

نازی آلمان به امریکا گریخت. در تمام سال‌های بعد، کسینجر دین خود را به دولت امریکا برای نجات جاننش پرداخت کرد. در طول سال‌هایی که کسینجر در جایگاه یک مقام امریکایی حضور داشت، هیچ چیز را به منافع ایالات متحده ترجیح نداد. حقوق بشر و اصول امریکایی که او مدعی اهمیت آنها بود، به واقع هیچ‌گاه برای او اهمیت نداشت. پس از انتشار کتاب «جنگ اتمی و سیاست خارجی» که به امکان پیروزی ایالات متحده در جنگ محدود اتمی پرداخته بود، کسینجر به طور جدی تری وارد سیاست عملی امریکا شد.

کسینجر از زاویه دید منافع امریکایی

در بیشتر نقاط جهان، عمدتاً گروه‌های چپ‌گرا از منتقدین کسینجر محسوب می‌شوند. انتقاد آنها اما بهترین تفسیری است که می‌تواند یک وطن پرست امریکایی را به کسینجر علاقه‌مند کند. برای یک امریکایی که به جایگاه کشور خود در سازکارهای توزیع قدرت در جهان اهمیت می‌دهد، چندان مهم نیست که کسینجر در چه فجایعی شراکت داشته است. کسینجر، در خانواده‌های یهودی و در زمانه تسلط هیتلر در آلمان به دنیا آمد. مانند بسیاری دیگر از خانواده‌های یهودی، او هم تحت فشار دولت